



## Ranking the Barriers of Theorizing the Knowledge and Information Science field from the Viewpoints of Graduate Students of Tehran Public Universities

Hamid Reza Mahmoodi<sup>1</sup> | Nazila Mehrabi<sup>2</sup>

1- PhD Student of Information and Science in Tarbiat Modarres University. (Corresponding Author) hamidreza8520@gmail.com

2- Master of Information and Science Student of Tarbiat Modarres University. nazila.mehrabi1214@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<b>Article type:</b> Research Article	<b>Objective:</b> The purpose of this study is to rank the barriers to theorizing in the field of knowledge & information science.
<b>Article history:</b> <b>Received:</b> 02 March 2022 <b>Received in revised form:</b> 31 May 2022 <b>Accepted:</b> 01 June 2022 <b>Published online:</b> 01 June 2022	<b>Methodology:</b> This research in terms of the purpose is applied, in terms of data collection is library research that has also used field techniques. This research is in the category of descriptive-survey in terms of method. The data of this study were collected through a researcher-made questionnaire. Students of information science at the master's and doctoral levels of Tehran state universities have formed the statistical population of this research. In this study, sequential integrated sampling method was used. Questionnaires were distributed among 80 students in the field and 51 questionnaires were returned. The collected data were analyzed using descriptive and inferential statistics. Friedman test was used to answer the research questions. SPSS25 software was used to analyze the data.
<b>Keywords:</b> Barriers to Theorizing, Information Science, Tehran University	<b>Results:</b> The findings of this study show that the seven barriers identified respectively are: individual barriers with an average rank of 6.84 in the first priority, cultural barriers with an average rank of 5.85 in the second priority, political barriers with Average ranking of 4.62 in the third priority, Managerial barriers with an average rank of 3.95 in the fourth priority, social barriers with an average rank of 2.73 in the fifth priority, educational barriers with an average rank of 2.23 in the sixth priority and economic barriers with an average rank of 78 / 1 are in the seventh priority. <b>Conclusion:</b> In expressing the originality and value of this research, it can be said that it is original from the point of view of the study community as well as thematically.

**Cite this article:** Mahmoodi, H.R., Mehrabi, N. (2022). Ranking the Barriers of Theorizing the Knowledge and Information Science field from the Viewpoints of Graduate Students of Tehran Public Universities. *Journal of Knowledge Studies*, 15(57), 74-90.

**DOR:** 20.1001.1.20082754.1401.15.57.6.2



© The Author(s).

**Publisher:** Islamic Azad University North Tehran Branch



## رتبه‌بندی موانع نظریه پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی تهران

حمیدرضا محمودی<sup>۱</sup> | نازیلا محرابی<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول). hamidreza8520@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس. nazila.mehrabi1214@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۰/۱۲/۱۱</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۱/۰۳/۱۰</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۳/۱۱</p> <p><b>تاریخ انتشار آنلاین:</b> ۱۴۰۱/۰۶/۰۱</p>	<p><b>هدف:</b> هدف از انجام این پژوهش رتبه‌بندی موانع نظریه پردازی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی است.</p> <p><b>روش پژوهش:</b> پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیقی کاربردی، از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، پژوهشی کتابخانه‌ای است که از تکنیک‌های میدانی نیز بهره برده است. این تحقیق به لحاظ روش انجام در زمره پژوهشی توصیفی - پیمایشی قرار گرفته است. داده‌های این پژوهش از طریق پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته جمع‌آوری شد. دانشجویان رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی تهران، جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل داده‌اند. در این پژوهش روش نمونه‌گیری تلفیقی متوالی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه بین ۸۰ نفر از دانشجویان رشته‌ی مزبور توزیع شد که تعداد ۵۱ پرسش‌نامه برگردانده شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد. جهت پاسخگویی به سؤالات پژوهش، از آزمون فریدمن استفاده شد. نرم‌افزار SPSS25 به منظور تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌های این پژوهش نشان از آن دارد که از میان موانع نظریه‌پردازی، به ترتیب موانع فردی با میانگین رتبه ۶/۸۴ در اولویت اول، موانع فرهنگی با میانگین رتبه‌ی ۵/۸۵ در اولویت دوم، موانع سیاسی با میانگین رتبه‌ی ۴/۶۲ در اولویت سوم، موانع مدیریتی با میانگین رتبه‌ی ۳/۹۵ در اولویت چهارم، موانع اجتماعی با میانگین رتبه‌ی ۲/۷۳ در اولویت پنجم، موانع آموزشی با میانگین رتبه‌ی ۲/۲۳ در اولویت ششم و موانع اقتصادی با میانگین رتبه‌ی ۱/۷۸ در اولویت هفتم قرار گرفته‌اند.</p> <p><b>اصالت / ارزش:</b> در بیان اصالت و ارزش این پژوهش، می‌توان گفت که از نظر جامعه مورد مطالعه و همچنین به لحاظ موضوعی دارای اصالت است.</p>

**استناد:** محمودی، ح.، محرابی، ن. (۱۴۰۱). رتبه‌بندی موانع نظریه پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی تهران. دانش‌شناسی، ۱۵(۵۷)، ۷۴-۹۰.

**DOR:** 20.1001.1.20082754.1401.15.57.6.2



حق‌مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

## مقدمه

تفکر درباره نظریه، قدمتی به بلندای تاریخ اندیشیدن دارد. انسان با کمک دانش خود یا تجربیات دیگران به خلق نظریه می‌پردازد. از زمانی که انسان توانایی اندیشیدن یافت و به اندیشه خود شکل داد، تلاش کرد بین پدیده‌های مشاهده شده و مفاهیم موجود ارتباط برقرار کند و آن‌ها را به گونه‌ای بیان کند که برای دیگران قابل درک باشد (محمدی استانی و شعبانی، ۱۳۹۶). تا زمانی که انسان‌ها ایده‌ها و تفکرات خود را در چارچوب ذهنی خود حبس کنند و آن را بروز ندهند، در این صورت ایده‌های آن‌ها تبدیل به علم و دانش نخواهد شد. چرا که علم در صورتی خلق می‌شود که مورد نقد و بررسی دیگران قرار بگیرد. بنابراین مطرح کردن ایده، اندیشه و نظریه در عرصه عمومی و جمع آدمیان ضرورت دارد و بی‌توجهی به این امر مهم منجر به سکون تولید علم و اندیشه بشری و عدم تحول خواهد شد (رامشت و همکاران، ۱۳۹۰). علم از مهم‌ترین پدیده‌های کلیدی نسل بشر و پایه و اساس بسیاری از پیشرفت‌ها و توانایی‌ها است. امروزه این پدیده مذکور، بسیار نظام‌مندتر شده و ساختار نهادی یافته است؛ نهادهای گوناگون در ارتباط با فعالیت‌ها و فرآیندهای علمی هستند. کنش‌گران کلیدی با پدیده علم سر و کار دارند که آن را پیش ببرند و فرآیندهای مشخصی نیز وجود دارد که روند پیشرفت علم را تسریع می‌کند. بنابراین پژوهشگران برای آنکه بتوانند این پدیده‌ها را تبیین کنند، نیازمند انجام مشاهدات و آزمایش‌های دقیق هستند تا آن‌ها را در چارچوب قواعدی خاص گزارش کنند و توضیحات لازم و نظام‌مند را درباره آن‌ها ارائه دهند و آن‌ها را پیش‌بینی کنند، این توضیح، تبیین و پیش‌بینی نظام‌مند چیزی است که امروزه آن را به عنوان نظریه می‌شناسیم (حسن‌زاده، ۱۳۹۹). هرسیج (۱۳۹۰) معتقد است که نظریه یعنی معرفت به معنای عام و یکی از ابزارهایی است که منجر به توسعه دانایی و پیشرفت علم می‌شود. نخستین بار فیثاغورث نظریه را به معنای ژرف اندیشی و تفکر عمیق به کار برد. بنابراین، مفهوم نظریه ماهیتاً با تفکر و اندیشه همراه بوده است (نشاط، ۱۳۸۸، به نقل از محمدی استانی، ۱۳۹۶). جویا و پیترا<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) نظریه را «تبیین و بازنمایی یک پدیده مشاهده شده یا تجربه شده» می‌دانند. ری نولدز<sup>۲</sup> (۱۹۷۱) نظریه را «مجموعه‌ای از قوانین، تعاریف، آزمون‌ها، قضایا و توصیف‌ها از فرآیندهای علی می‌داند (دانایی فرد، ۱۳۸۹).

واکر<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) دلیل اهمیت نظریه برای پژوهش را این چنین بیان می‌کند که در واقع نظریه را می‌توان چارچوبی برای تحلیل، روشی کارآمد برای توسعه حوزه‌های علمی و تبیینی مشخصی برای دنیای واقعی دانست (بودوآکنگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲).

آشکار است که بدون نظریه، هیچ رشته علمی نمی‌تواند در چارچوبی مدون و ساختاریافته، یافته‌های خود را ارائه کند و به رابطه علمی خود با سایر رشته‌ها پی ببرد، بنابراین در هاله‌ای از ابهام و پیچیدگی‌های نامشخص به سر خواهد برد (موحدیان، چشمه‌سهرابی، ۱۳۹۵). نظریه‌پردازی به معنای روبه‌رو شدن با پدیده‌ها و یا مشکلاتی که در جامعه وجود دارد و همچنین سعی و تلاش در جهت شناخت آن‌ها به منظور حل و نابودی آن‌ها می‌باشد و حتی در شرایطی نیز برای تحکیم و بسط این پدیده‌ها می‌توان تلاش کرد (زیبا کلام، ۱۳۸۷). هرسیج (۱۳۹۰) معتقد است که نظریه‌پرداز مانند زنبور عسل می‌ماند، شهد گل‌های مختلف را می‌مکد اما تنها به این کار جمع‌آوری بسنده نمی‌کند و شهد گل را در خود تغییر می‌دهد و عسل می‌آفریند. متأسفانه اکثر اساتید و دانشجویان و پژوهشگران در کشور ایران یا مورد اول را دارا هستند و تنها به جمع‌آوری اطلاعات بسنده می‌کنند و یا اینکه مورد دوم را دارند و تنها در انتزاعیات سیر می‌کنند. بنابراین نظریه و نظریه‌پردازی در تمام رشته‌های موجود مستلزم شرایط و چارچوب‌هایی است که باید به آن‌ها توجه شود. نظریه جزئی از علم است که باعث پیشرفت و رشد علم و توسعه‌ی دانایی را به دنبال دارد. می‌توان گفت که نظریه نتیجه و ثمره‌ی یک کار علمی و پژوهشی است و هر شخصی توانایی دادن یک نظریه را ندارد. بنابراین باید افرادی را که این توانایی را دارند شناسایی شوند و به آنها ارزش‌گذاری و بها داده شود. توسعه و پیشرفت کشور اکنون بر پایه و اساس دانایی است که این مورد در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی و در نزد اساتید، دانشجویان و پژوهشگران است. نظریه‌پردازی به عنوان مهم‌ترین کانون و مرکز فرآیندهای علمی و همچنین عامل ارتباط مراکز علم با جهان

1. Joia & Peter
2. Renolds
3. Wacker
4. Udo-Akang

پیرامون قرار دارد. برای دسترسی داشتن به افکار و اندیشه‌های بدیع و نو و توسعه‌ی خلاقیت و نوآوری توسط پژوهش‌های علمی نظریه‌پردازی امکان‌پذیر است.

بدون نظریه‌پردازی امکان پیشرفت و رشد در حوزه‌های علمی وجود نخواهد داشت. نظریه‌پردازی کردن در تمام رشته‌ها به ویژه در رشته‌ی علوم انسانی در جهت بومی‌سازی کردن دانش و فرهنگ‌سازی آن در جامعه منجر به حل اکثریت چالش‌های موجود در این حوزه‌ها می‌شود که این نیز به نوبه‌ی خود باعث ارتقای این رشته‌ها و همچنین رشد جوامع علمی را به دنبال خواهد داشت.

نظریه‌پردازی به عنوان بنیاد و پایه تمدن، امری است که نمی‌توان از آن غافل شد. کارکردهای نظریه‌پردازی نیاز هر جامعه‌ای است که سعی می‌کند تا به شکوفایی تمدن انسانی کمک کند و مسیر کمالی را در همه عرصه‌های زندگی ببیند. نظریه‌پردازی موجب می‌شود تا جامعه بتواند در یک سامانه عقلانی واقع بینانه و حقیقت‌گرایانه، نیازهای نوشونده خود را به درستی تحلیل کرده و تبیین درستی از رابطه میان امور به دست دهد و توصیه‌هایی را برای دستیابی به پاسخ‌های مورد نیاز ارائه دهد. در حقیقت نظریه‌پردازی با شناخت درست از هر آنچه هست و هر آنچه باید باشد، جهت سیر حرکت‌های جامعه را مشخص کرده و راه‌کارهای درست برای عمل و زدودن موانع ارائه می‌دهد (جواهردهی، ۱۳۹۷). نظریه‌پردازی فعالیتی علمی است که توسط پژوهشگران برای ترکیب و یکپارچه‌سازی یافته‌های مختلف پژوهشی پیرامون یک موضوع خاص صورت می‌پذیرد. نظریه‌پردازی فشرده‌سازی واقعیت‌های موجود در قالبی قابل تعمیم به موقعیت‌های گوناگون است. به لحاظ موضوعات، هر پژوهشی، نظریه‌پردازی نیست. اما پژوهش‌ها می‌توانند حلقه‌هایی از یک نظریه‌پردازی باشند. باید پژوهش‌هایی پیرامون موضوع انجام شده باشد تا بتوان از ترکیب آن‌ها به یک نظریه راهنما دست یافت. بنابراین پژوهش مقدم بر نظریه‌پردازی است و نظریه‌پرداز وظیفه پیوند دادن بین یافته‌های پژوهشی را پیرامون یک موضوع خاص بر عهده دارد (محمدزاده، پیراینده، ۱۳۸۸). توسعه و پیشرفت هر کشوری در تمام زمینه‌های موجود رابطه‌ی مستقیمی با رشد و پیشرفت دانشگاه‌ها دارد و دانشگاه‌ها نیز به عنوان مهمترین مرکز تولید علم در کشور مهمترین نقش را در تولید و توسعه نظریه‌های علمی دارند. ولی به نظر می‌رسد هنوز این پدیده آن‌گونه که باید رشد نکرده است و توجه چندانی به آن نشده است که این خود نشان می‌دهد که در این زمینه مشکلات و موانعی وجود دارد (حسن‌زاده، ۱۳۹۹). تولید علم و اندیشه تازه و به ویژه نظریه‌پردازی در علوم انسانی می‌تواند به پیشرفت جوامع و دستیابی به توسعه پایدار در همه ابعاد کمک کند. نظریه‌پردازی، تولید دانش نو و به تبع آن اشاعه و کاربرد دانش می‌تواند حرکت به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین را سرعت ببخشد. این در حالی است که مطالعه متون و دیدگاه‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که وضعیت تولید علم و نظریه‌پردازی در علوم انسانی در ایران چندان رضایت‌بخش نیست (محمدزاده، پیراینده، ۱۳۸۸). چرایی و چگونگی ضعف نظریه‌پردازی و رشد علمی در ایران از موضوعاتی است که تقریباً از دهه ۷۰، موضوع مورد توجه پژوهشگران بوده است. اما به رغم گذشت دو دهه فعالیت و بحث علمی، هنوز تغییری در اوضاع علمی کشور صورت نگرفته است و در زمینه علوم انسانی هم‌چنان در حال استفاده از نظریه‌های غربی هستیم. این در حالی است که نظریه بخش اساسی تولید علم به ویژه در حوزه علوم انسانی است و اصولاً هر علمی بدون نظریه بی‌معناست و علوم انسانی در یک تعریف جامع، مجموعه دانش‌هایی است که موضوع اصلی آن شناخت، تحلیل و بررسی مسائل، موضوعات و امور مربوط به انسان و زندگی انسانی است (یوسف‌زاده، رافع، ۱۳۹۱). با توجه به مطالب مزبور می‌توان گفت که جایگاه علوم انسانی و رشته‌های تحصیلی مرتبط با آن در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی، به ویژه در زمینه نظریه‌پردازی جایگاه مناسب خود را ندارند. علوم انسانی و رشته‌های وابسته به آن مهم‌ترین دانش و معرفت بشری است که موضوعات اصلی آن شناخت و تحلیل مسائل که مرتبط با انسان و زندگانی آن‌ها است، می‌باشد. در حقیقت علوم انسانی به جامعه، زبان و روان و نوع تفکر انسان توجه دارد. در علوم انسانی ابعاد اعتقادی، ارزشی و فرهنگی هر کشوری دخیل است. بنابراین شایسته نیست که در حوزه نظریه‌پردازی علوم انسانی از غرب تقلید کورکورانه صورت گیرد. علم اطلاعات و دانش‌شناسی که یکی از گرایش‌های حوزه علوم انسانی می‌باشد، به نظر می‌رسد که پژوهشگران این حوزه آگاهی کامل از نظریه‌پردازی را ندارند و به همین دلیل به نظریه‌پردازی روی نمی‌آورند. ناگفته نماند که علت کمبود تولید اندیشه قبل از آن که به زیرساخت‌های تکنولوژیکی و تمدنی مرتبط باشد به مسائل فکر و نظریه‌پردازی مرتبط است البته در پژوهشی محمودی و همکاران (۱۳۹۹)

علت عدم پرداختن به نظریه پردازی را موانعی نظیر فردی، آموزشی، سیاسی، مدیریتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بیان کرده‌اند که منجر به دوری فرد از نظریه پردازی می‌شود.

نظریه پردازی در حقیقت می‌تواند در توسعه و پیشرفت جامعه در تمام ابعاد نقش مهمی را ایفا کند. به عبارت دیگر نظریه پردازی می‌تواند با تبیین و تفسیر و همچنین پیش‌بینی رخدادها، با تدوین یک ساختاری منسجم منجر شود که پدیده‌ها در آن معنا پیدا کند. نظریه پردازی منجر به منسجم شدن و سازمان‌دهی شدن اطلاعات می‌شود که در حقیقت همبستگی بین رویدادها را روشن می‌کند. نظریه باعث می‌شود که رویدادهای آینده پیش‌بینی و از ایجاد مشکلات بعدی جلوگیری شود. نظریه پردازی دانش آفرینی را به دنبال دارد و به عنوان یک بستر و زمینه برای ظهور نوآوری و همچنین جریان تازگی و حیات در رشته علوم انسانی و تمامی جامعه علمی خواهد بود. نظریه در واقع یک ایده است که با ارائه آن منجر به باز شدن دریچه‌ای به یک موضوع دیگر شد. اجرای امر نظریه پردازی باعث ایجاد تحول و عدم تقلید کورکورانه از کار دیگران و همچنین از پژوهش‌های غربی می‌شود. نظریه پردازی برای جوامع بشری لازم و ضروری است به این منظور که نظریه پردازی همان طور که گفته شد باعث ایجاد تحول و همچنین باعث تغییراتی در جوامع علمی می‌شود که این تغییرات یک جرقه‌ی بزرگ و قابل توجهی برای بهتر شدن وضعیت علمی و خارج شدن از مسیر تقلید از کار دیگران و در انتظار آنها ماندن، و محیا ساختن بستر علمی برای پذیرفتن داده‌ها و اطلاعات جدید است. علوم انسانی به فرهنگ، هویت و شخصیت مرتبط است و حوزه علوم انسانی اساس همه این تحولات است. هر محیطی نیازمند تبیین‌های جدید است و هر تبیینی نیازمند نظریه‌ای جدید است. از آنجایی که علوم انسانی با جامعه و فرهنگ در تماس است، نیاز مبرمی به بیانات و نظریات جدید دارد. نظریه بخشی بسیار مهم و اساسی در تولید علم بخصوص در حوزه علوم انسانی و رشته‌ی مدنظر است و هر رشته و علمی بدون نظریه بی‌معنا است و مفهومی ندارد. با توجه به این که در این حوزه و در رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در حوزه‌ی نظریه پردازی و موانع آن پژوهش‌اندکی صورت گرفته است. در این پژوهش سعی داریم به رتبه‌بندی موانع نظریه پردازی در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی بپردازیم. رتبه‌بندی موانع شناسایی شده نظریه پردازی، از این نظر اهمیت دارد که یک تصویری روشن و واضح از اولویت‌های موانع موجود به دست می‌آید. زمانی که اهمیت هر کدام از موانع شناسایی شود در آن صورت می‌توان موجبات رفع و کنترل ضعف‌ها و تقویت نقاط قوت را مورد توجه قرار داد. با رتبه‌بندی موانع و رفع موانع مهمتر می‌توانیم منجر به تولید علم متناسب با نیاز جامعه خود، برتری جایگاه رشته‌ی مورد نظر در جامعه‌ی علمی، افزایش آگاهی در مورد ظرافت علمی پژوهشگران رشته مذکور و تقویت قدرت تخیل و انتقادی پژوهشگران در جامعه علمی شویم. در حوزه ضرورت این امر مهم نیز می‌توانیم به جلوگیری از تکراری بودن موضوعات پژوهشی، مانع افت جایگاه رشته مورد نظر، مانع وابستگی به فرهنگ و علم غربی و تاثیر پذیری از افکار آنها اشاره کنیم. به طور کلی انجام این پژوهش می‌تواند پیامدهای مثبتی مانند شناساندن و تعیین جایگاه رشته، آشکارسازی وضعیت نظریه پردازی، شناسایی بسترها و ارائه‌ی راه‌کارهایی برای رفع این موانع و بهبود بخشیدن به پایه‌های نظریه‌ای این رشته را به همراه خواهد داشت. در ادامه، برخی از پژوهش‌های انجام شده، انتخاب و مرور شده است.

پورعزت و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی پیمایشی به شناسایی موانع نظریه پردازی در حوزه علوم اجتماعی پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود موانع ساختاری، کارکردی، انگیزشی و فرهنگی جوامع علمی در فرآیند نظریه پردازی در علوم اجتماعی دارند. همچنین ادعای اصلی پژوهش آن است که علی‌رغم توجه به موانع ساختاری، کارکردی و فرهنگی، عدم توجه به فراگرد طبیعی نظریه پردازی در تاکید بر شناسایی مسئله و تمرکز بر حل آن، یکی از دلایل اصلی رکود سیر نظریه پردازی در قلمرو علوم انسانی است.

عیوضی (۱۳۸۹) در پژوهشی توصیفی با عنوان "نظریه پردازی در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی" موضوع نظریه پردازی با محوریت مسئله اجتماعی را مورد بحث قرار داده است. با مروری بر نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی، جایگاه نظریه پردازی در جامعه‌شناسی را در خصوص نحوه رابطه میان متغیرهای نوین اجتماعی را مورد بررسی قرار داد.

صادقی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی توصیفی به بررسی چالش نظریه پردازی و علم‌افزایی در تولیدات علمی ایران پرداخت. نتایج نشان داد که روند تولید پرشتاب مقالات علمی و افزایش مجلات علمی - پژوهشی مانند ارتقای استادان، تصویب پایان‌نامه و ورود به تحصیلات تکمیلی بدون کنکور، موجب بیماری کمیت‌گرایی و تولید مقالات بیشتر شده است که آثار مخربی بر کیفیت سیستم آموزشی و پژوهشی

خواهد گذاشت. از این رو تجدید نظر در این روند و وارد کردن معیارهای کیفی مانند سیستم استنادی، کاربردی بودن مقالات، استفاده‌های علمی و کاهش تاثیر کمیت تولیدات علمی، در ارزیابی استادان و دانشجویان می‌تواند در کنترل پیامدهای این بیماری مؤثر باشد.

یوسف‌زاده و رافع (۱۳۹۱) در پژوهشی توصیفی-پیمایشی با عنوان "بررسی موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی: دانشگاه بوعلی سینا همدان" با هدف بررسی موانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی رشته‌های مختلف علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان پرداخت. از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. یافته‌های به دست آمده نشانگر آن است که بین دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی دانشکده‌های مربوطه در زمینه نظریه‌پردازی، تفاوت معناداری وجود دارد و در حالی که بین جنسیت اعضا و دیدگاه‌های آن‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از بین موانع، موانع فردی به میزان خیلی زیاد و موانع اجتماعی، ارزش‌شناسی، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی همگی به میزان زیادی مانع نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی می‌شوند.

میرفردی (۱۳۹۴) در پژوهشی توصیفی با عنوان "چالش‌ها و فرصت‌های تولید علم و نظریه‌پردازی در حوزه علمی جامعه‌شناسی در ایران" به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های فراروی جامعه‌شناسی در ایران پرداخت. یافته‌های به دست آمده، نشان داد که ویژگی‌هایی نظیر تنوع قومیتی جامعه‌ی ایران، بوم‌شناسی انسانی، خرده‌فرهنگ‌ها و اقبال عمومی جوانان و انتشار تحصیل کرده به جامعه از مهمترین فرصت‌ها و مشکلات فراروی جامعه‌شناسی در ایران شامل چالش‌های مربوط به علوم انسانی و چالش‌های خاص جامعه‌شناسی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که مشکلات پیش‌روی جامعه‌شناسی در سه دسته اساسی شامل مشکلات فراروی هم، چالش‌های مربوط به علوم انسانی و چالش‌های خاص جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند که مهمترین این چالش‌ها پایین بودن بودجه‌های پژوهشی در مقایسه با دیگر بخش‌های جامعه، گسترش روحیه مدرک‌گرایی و عام‌زدگی در زمینه آموزش اشاره کرد و در پایان پیشنهادهایی را برای بهبود این چالش‌ها و فرصت‌ها ارائه نموده است.

قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۷) در پژوهشی توصیفی-پیمایشی با عنوان "تبیین موانع و راه‌کارهای نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی" به شناسایی موانع نظریه‌پردازی در این حوزه‌ها و ارائه راه‌کارهایی در جهت رفع این موانع پرداخت. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین موانع نظریه‌پردازی در این حوزه‌ها شامل موانع فرهنگی-سیاسی، موانع اجتماعی، اقتصادی، حمایتی و مالی، موانع قانونی-سازمانی، آموزشی، روش‌شناختی و موانع فردی-روانشناختی است و عدم توجه به این موانع منجر به ایجاد مشکلاتی در نظریه‌پردازی خواهد شد و همچنین عدم سوق به سمت نظریه‌پردازی را به همراه خواهد داشت. نتایج نشانگر آن است که افزایش کیفیت تولیدات علمی، تولید دانش نو و نظریه‌پردازی در این حوزه در گروی آسیب‌شناسی عوامل و موانع مؤثر بر کارآمدی نظریه‌پردازی در این حوزه‌ها و ارائه راه‌کارهایی در راستای رفع آن‌ها است.

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی پیمایشی با عنوان "موانع رشد ظرفیت پدیده‌ی نظریه‌پردازی در ایران" با هدف شناسایی موانع رشد نظریه‌پردازی در دانشگاه تربیت مدرس و ارائه راه‌کارهایی برای گسترش ظرفیت نظریه‌پردازی پرداخت. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که موانع را می‌توان در دو گروه کلی موانع فراگیر و برون سازمان و موانع سازمانی دسته‌بندی کرد. موانع سازمانی ریشه در سازوکارها و مدیریت دانشگاه تربیت مدرس دارند و نتایج نشان داد که نظریه‌پردازی از کلیدی‌ترین پدیده‌های علمی است که باید با جدیت در فضای علمی ایران دنبال شود و نخستین گام برای تحقق این پدیده شناسایی موانعی است که رشد آن را کند می‌سازند. نتایج نشان داد که کلیدی‌ترین کارکرد این پژوهش برای سیاست‌گذاری و گسترش ظرفیت نظریه‌پردازی در دانشگاه تربیت مدرس است و با توجه به یافته‌ها می‌توان تصمیم کلیدی مطرح کرد که در نهایت منجر به حذف موانع مذکور شود و این ظرفیت را در دانشگاه به وجود بیاورد.

هالت، گولدینگ و اکتیوی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "توانمندسازها، چالش‌ها و روابط بین تأثیر تحقیق و تولید نظریه" به سنجش رابطه تأثیر پژوهش و نظریه‌پردازی پرداختند و موانع را در دانشگاه‌ها دسته‌بندی کردند. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد.

<sup>1</sup>. Holt, Goulding and Akintoye

یافته‌ها نشان داد که موانع شناسایی شده در این پژوهش شامل موانع برون سازمانی، موانع درون سازمانی، موانع مرتبط با جامعه پژوهشی و سایر موانع است.

الکساندر اولاسن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی پیمایشی با عنوان "بررسی موانع انجام پژوهش کارآموزان در فوریت‌های پزشکی" به شناسایی موانع پژوهشی در گروه فوریت‌های پزشکی پرداخت. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که موانع شناسایی شده در ۹ دسته قرار دارند که کلیدی‌ترین آن‌ها عوامل زمانی، فرهنگی و مهارتی است و هر سه این عوامل در نظریه پردازی نقش مهمی را دارند و نبود آن‌ها منجر به بی میلی در نظریه پردازی خواهد شد.

آدیتی هگد و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی پیمایشی با عنوان "موانع تحقیق در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دندانپزشکی شهر بنگالورو" با هدف شناسایی موانع پژوهشی به انجام این پژوهش پرداخت. برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که عواملی چون گستره کاری، ضعف آموزشی، کمبود متخصصین، عدم حمایت مالی منجر به دگرگونی فرآیند پژوهش می‌شود و هر کدام از موارد مذکور در اجرای پژوهش مشکلاتی را به همراه خواهند داشت.

با مرور پیشینه‌ها می‌توان چنین استنتاج کرد که موانع موجود در نظریه پردازی یا به فرد برمی‌گردد و یا اینکه به سیستم‌های حاکم بر جامعه‌ی علمی. در بعضی مواقع فرد توانایی و انگیزه و علاقه‌ای برای پرداختن به نظریه پردازی را ندارد و نسبت به آن بی توجه است، اما در بعضی مواقع دیگر سیستم‌های حاکم نظیر سیستم‌های آموزشی، مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی مانع نظریه پردازی می‌شوند و شرایط نامساعد را حاکم می‌کنند. در این پژوهش سعی شده است که به رتبه بندی موانع مذکور پرداخته شود.

#### جدول ۱. اطلاعات مربوط به تحقیقات پیشین

نویسنده (نویسندگان)	سال	عنوان	روش	ابزار
پورعزت و همکاران	۱۳۸۸	بررسی موانع نظریه پردازی در قلمرو علوم اجتماعی	پیمایشی	پرسش نامه
عیوضی	۱۳۸۹	نظریه پردازی در حوزه مطالعات جامعه شناسی	توصیفی	-----
صادقی و همکاران	۱۳۹۱	چالش نظریه پردازی و علم افزایی در تولیدات علمی ایران	توصیفی	-----
یوسف زاده و رافع	۱۳۹۱	بررسی موانع نظریه پردازی در حوزه علوم انسانی: دانشگاه بوعلی سینا همدان	توصیفی - پیمایشی	پرسش نامه
میر فردی	۱۳۹۴	چالش‌ها و فرصت‌های تولید علم و نظریه پردازی در حوزه علمی جامعه شناسی در ایران	توصیفی	-----
قنادی نژاد و حیدری	۱۳۹۷	تبیین موانع و راهکارهای نظریه پردازی در علوانسانی و اجتماعی: اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز	توصیفی - پیمایشی	پرسش نامه
حسن زاده و همکاران	۱۳۹۹	موانع رشد ظرفیت پدیده نظریه پردازی در ایران: مورد کاوی دانشگاه تربیت مدرس	پیمایشی	مصاحبه
هالت، گولدینگ و اکتیوی	۲۰۱۶	توانمندسازها، چالش‌ها و روابط بین تأثیر تحقیق و تولید نظریه	پیمایشی	پرسش نامه

<sup>1</sup>. Alexander Olausen

<sup>2</sup> - Aditi Hegde

پرسش‌نامه	پیمایشی	بررسی موانع انجام پژوهش کارآموزان در فوریت‌های پزشکی	۲۰۱۷	الکساندر اولاسن و همکاران
پرسش‌نامه	پیمایشی	موانع تحقیق در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دندانپزشکی شهر بنگالورو	۲۰۱۷	آدیتی هگد و همکاران

هدف اصلی این پژوهش رتبه‌بندی موانع نظریه‌پردازی بوده است. با توجه به هدف اصلی پژوهش، سؤالاتی که باید در این پژوهش به آن پاسخ داده شود عبارتند از:

۱. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع فردی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟
۲. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع فرهنگی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟
۳. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع سیاسی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟
۴. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع مدیریتی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟
۵. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع اجتماعی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟
۶. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع آموزشی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟
۷. در بین موانع نظریه‌پردازی، موانع اقتصادی در چه رتبه‌ای قرار دارد؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق کاربردی، از نظر شیوه گردآوری اطلاعات، پژوهشی کتابخانه‌ای است که از تکنیک‌های میدانی نیز بهره برده است. این تحقیق به لحاظ روش انجام در زمره پژوهشی توصیفی - پیمایشی قرار گرفته است. دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه‌های دولتی تهران (شهید بهشتی، خوارزمی، علامه طباطبایی، الزهراء، تربیت مدرس، دانشگاه تهران) جامعه‌ی آماری این پژوهش را تشکیل دادند. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تلفیقی استفاده شد. در واقع نمونه‌گیری تلفیقی متوالی، حاصل ترکیب نمونه‌گیری احتمالی و غیر احتمالی است (حسنی، ۱۳۸۹). در گام اول دانشگاه به عنوان بخش نمونه‌گیری مورد توجه قرار گرفت و دانشگاه‌ها نیز به طور تصادفی ساده انتخاب شدند. در گام دوم از میان دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری به روش در دسترس به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. در این پژوهش از میان ۸۰ نفر نمونه انتخاب شده و ۸۰ پرسشنامه توزیع شده، ۵۱ پرسشنامه عودت داده شد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که شامل ۳۱ گویه (مؤلفه) می‌باشد. ۷ گویه‌ی آن مربوط به موانع فردی، ۴ گویه‌ی آن مربوط به موانع مدیریتی، ۳ گویه‌ی آن مربوط به موانع آموزشی، ۳ گویه‌ی آن مربوط به موانع اقتصادی، ۷ گویه‌ی آن مربوط به موانع فرهنگی، ۳ گویه‌ی آن مربوط به موانع اجتماعی، و ۴ گویه‌ی آن مربوط به موانع سیاسی می‌باشد. برای بررسی روایی پرسشنامه‌ها، پرسشنامه مورد نظر در اختیار تعدادی از متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی قرار گرفت و روایی آنها مورد تأیید قرار گرفت. برای بررسی پایایی پرسش‌نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی ابزار گردآوری اطلاعات ۰/۷۴. گزارش شد که نشان‌دهنده‌ی پایایی پرسشنامه دارد. از مجموع پرسشنامه‌های توزیع شده تعداد ۵۱ پرسش‌نامه به طور کامل عودت داده شد. برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد و به منظور پاسخگویی سؤالات از آزمون فریدمن استفاده گردید. از نرم‌افزار SPSS 25 به منظور تحلیل داده‌ها استفاده گردید.

### یافته‌ها

در این بخش ابتدا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ارائه می‌شود. توصیف آماری نمونه‌ی مورد مطالعه در جدول زیر به نمایش گذاشته شد.



جدول ۲. توصیف ویژگی های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

متغیرها	فراوانی مطلق		درصد
جنسیت	مرد	۲۳	۴۵/۱٪
	زن	۲۸	۵۴/۹٪
طبقه بندی سنی	۲۰-۳۰	۳۱	۶۲/۷٪
	۳۱-۴۰	۱۸	۳۵/۳٪
	۴۱-۵۰	۲	۲٪
	۵۰ سال به بالا	۰	۰
مدرک تحصیلی	کارشناسی ارشد	۳۷	۷۲/۵٪
	دکتری	۱۴	۲۷/۵٪

براساس اطلاعات این جدول می توان چنین گفت در میان دانشجویان ۲۸ نفر معادل ۵۴/۹٪ زن و ۲۳ نفر معادل ۴۵/۱٪ مرد بودند که از این تعداد افراد، ۳۱ نفر معادل ۶۲/۷٪ در رده ی سنی ۲۰-۳۰ سال، ۱۸ نفر معادل ۳۵/۳٪ در رده سنی ۳۱-۴۰ سال و ۲ نفر معادل ۲٪ در رده سنی ۴۱-۵۰ سال قرار داشتند. از نظر مدرک تحصیلی نیز، ۳۷ نفر معادل ۷۲/۵٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۴ نفر معادل ۲۷/۵٪ دارای مدرک دکتری بوده اند.

موانع نظریه پردازی در قالب هفت دسته موانع فردی، مدیریتی، آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرار گرفته اند. جهت شناسایی اولویت و رتبه بندی هر کدام از موانع مذکور از آزمون فریدمن استفاده شد که در جدول زیر ارائه شده اند.

جدول ۳. اولویت بندی موانع نظریه پردازی

متغیرها	آزمون رتبه بندی فریدمن	
	رتبه بندی موانع	میانگین رتبه
موانع فردی	۱	۶/۸۴
موانع فرهنگی	۲	۵/۸۵
موانع سیاسی	۳	۴/۶۲
موانع مدیریتی	۴	۳/۹۵
موانع اجتماعی	۵	۲/۷۳
موانع آموزشی	۶	۲/۲۳
موانع اقتصادی	۷	۱/۷۸

همان گونه که در جدول (۳) ملاحظه می شود، موانع فردی که شامل مؤلفه های «اعتماد به نفس پایین، بهره هوشی کم، جسارت پایین، خلاقیت پایین، ضعف تفکر انتقادی، دغدغه ی معیشت، و رفع تکلیف» می باشد در رتبه ی اول موانع نظریه پردازی قرار گرفته اند، پس از آن، موانع فرهنگی که شامل مؤلفه های «غرب زدگی، دگرشیفتگی، مصرف گرایی و روحیه ی مصرف کنندگی، سنت زدگی، توهم مسئله یابی، کمی گرایی، پیرپرستی» در رتبه ی دوم موانع نظریه پردازی قرار گرفته اند. موانع سیاسی نیز دارای مؤلفه های «تحکم مدیریت سیاسی بر

مدیریت علمی، نبود نگاه حکومتی بر علم، فضای بسته علم و حزب‌گرایی یا نگاه جناحی» نیز در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. پس از آن موانع مدیریتی با مؤلفه‌های «خودمختار نبودن دانشگاه، ارزیابی اساتید بر اساس جدول ارتقا، عدم پذیرش جوانان از سوی مدیریت و مدیران ارشد و آشفته‌گی ساز و کارهای تشویقی دانشگاه» نیز در رتبه چهارم قرار گرفته‌اند. موانع اجتماعی نیز شامل مؤلفه‌های «برگزار نکردن کرسی‌های نظریه‌پردازی، ضعف هم‌فکری و سست بودن پیوندهای جامعه‌ی علمی» در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند. موانع آموزشی با مؤلفه‌های «عدم توجه به بنیاد در سرفصل دروس، تدریس نکردن شیوه‌ی نظریه‌پردازی و هم‌پوشانی مطالب و مباحث رشته» در رتبه ششم و موانع اقتصادی با مؤلفه‌های «تخصیص بودجه ناچیز به پژوهش، تخصیص منابع مالی مقطعی به پژوهش و تقسیم پی در پی بودجه پژوهش» در رتبه هفتم اهمیت اولویت قرار گرفته‌اند.

پس از رتبه‌بندی کلی انواع موانع نظریه‌پردازی، لازم و ضروری است تا مؤلفه‌های مربوط به هر کدام از این دسته‌ها مورد بررسی قرار گیرند. براساس رتبه‌بندی صورت گرفته در جدول (۳)، موانع و مؤلفه‌های مربوط به آن‌ها را مورد بررسی قرار دادیم. در این قسمت رتبه‌بندی هر کدام از زیرمجموعه‌های موانع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. موانع فردی در چه رتبه‌ای از موانع نظریه‌پردازی قرار دارد؟

#### جدول ۴. رتبه‌بندی موانع فردی

آزمون رتبه‌بندی فریدمن				متغیرها	موانع فردی
میانگین رتبه کلی	سطح معناداری	رتبه‌بندی مؤلفه‌های موانع	میانگین رتبه		
۶/۸۴	.۰۰۰	۱	۴/۷۸	خلاقیت پایین	
		۲	۴/۷۲	اعتماد به نفس پایین	
		۳	۴/۴۱	ضعف تفکر انتقادی	
		۴	۴/۱۳	دغدغه معیشت	
		۵	۳/۸۳	جسارت پایین	
		۶	۳/۳۶	رفع تکلیف	
		۷	۲/۷۶	بهره هوشی پایین	

اطلاعات مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهد که موانع فردی در حد بسیار زیاد در نظریه‌پردازی نقش دارد. به دلیل اینکه میانگین به دست آمده (۶/۸۴) در مقایسه با میانگین نظری (۳/۵) بیشتر است. در میان مؤلفه‌های موانع فردی خلاقیت پایین با میانگین ۴/۷۸ بیشترین و بهره‌هوشی پایین با میانگین ۲/۷۶ کمترین تأثیر را دارد. البته ناگفته نماند که از میان هفت مؤلفه‌ی موانع فردی شش مورد آن‌ها چون دارای میانگین بالاتر از ۳/۵ هستند، به این معنا است که این موانع، دارای اهمیت زیادی می‌باشند. به دلیل این که سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ شد و کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز کمتر است، لذا می‌توان برای این دسته از موانع رتبه‌بندی قائل شد.

#### ۲. موانع فرهنگی در چه رتبه‌ای از موانع نظریه‌پردازی قرار دارد؟

جدول ۵. رتبه بندی موانع فرهنگی

آزمون رتبه بندی فریدمن				متغیرها	موانع فرهنگی
میانگین رتبه کلی	سطح معناداری	رتبه بندی موانع	میانگین رتبه		
۵/۸۵	۰/۰۰۰	۱	۵/۶۹	کمی گرایی	
		۲	۵/۱۲	توهم مسئله یابی	
		۳	۴/۰۸	مصرف گرایی و روحیه مصرف کنندگی	
		۴	۴/۰۱	پیرپرستی	
		۵	۳/۶۶	سنت زدگی	
		۶	۳/۰۵	دگرشیفتگی	
		۷	۲/۴۰	غرب زدگی	

اطلاعات مندرج در جدول ( ۵ ) نشانگر آن است که موانع فرهنگی با میانگین ۵/۸۵ تا حد بسیار زیادی در نظریه پردازی نقش دارد، به این دلیل که میانگین موجود در مقایسه با میانگین نظری (۳/۵) بزرگتر است. در میان مؤلفه های موانع فرهنگی نیز ۵ مؤلفه های آن چون میانگین بالاتر از ۳/۵ را دارا هستند، بنابراین دارای اهمیت زیادی در مانع شدن در نظریه پردازی می شوند. در میان این موانع، مانع کمی گرایی با میانگین ۵/۶۹ بیشترین نقش را دارد و در اولویت اول قرار دارد و غرب زدگی با میانگین ۲/۴۰ کمترین نقش و در اولویت آخر این موانع قرار دارد و نسبت به سایر مؤلفه ها از اهمیت کمتری برخوردار است.

سطح معناداری کسب شده در این بخش برابر با ۰/۰۰۰ شد و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز کمتر است، لذا می توان برای این دسته از موانع رتبه بندی قائل شد.

۳. موانع سیاسی در چه رتبه ای از موانع نظریه پردازی قرار دارد؟

جدول ۶. رتبه بندی موانع سیاسی

آزمون رتبه بندی فریدمن				متغیرها	موانع سیاسی
میانگین رتبه کلی	سطح معناداری	رتبه بندی موانع	میانگین رتبه		
۴/۶۲	۰/۰۰۰	۱	۲/۸۷	تحکم مدیریت سیاسی بر مدیریت علمی	
		۲	۲/۶۹	فضای بسته علمی	
		۳	۲/۶۸	نبود نگاه حکومتی مبتنی بر علم	
		۴	۱/۷۶	حزب گرایی با نگاه جناحی	

اطلاعات مندرج در جدول (۶) نشان از آن دارد که موانع سیاسی با میانگین ۴/۶۲ نقش پررنگی در نظریه‌پردازی دارد. زیرا این میانگین در مقایسه با میانگین نظری (۳/۵) بزرگتر است. در میان مؤلفه‌های مربوط به موانع سیاسی مؤلفه‌ی تحکم مدیریت سیاسی بر مدیریت علمی با میانگین ۲/۸۷ بیشترین نقش و مؤلفه‌ی حزب‌گرایی با میانگین ۱/۷۶ کمترین نقش را دارند. سطح معناداری در این بخش برابر با ۰/۰۰۰ است، در نتیجه با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز کمتر است، لذا می‌توان برای این دسته از موانع رتبه‌بندی قائل شد.

۴. موانع مدیریتی در چه رتبه‌ای از موانع نظریه‌پردازی قرار دارد؟

جدول ۷. رتبه‌بندی موانع مدیریتی

آزمون رتبه‌بندی فریدمن				متغیرها	موانع مدیریتی
میانگین کلی	سطح معناداری	رتبه‌بندی موانع	میانگین رتبه		
۳/۹۵	۰/۰۰۰	۱	۳/۱۲	عدم پذیرش جوانان	
		۲	۲/۵۷	آشفته‌گی ساز و کارهای تشویقی	
		۳	۲/۱۹	خودمختار نبودن دانشگاه	
		۴	۲/۱۳	ارزیابی اساتید براساس جدول ارتقا	

اطلاعات مندرج در جدول (۷) نشان می‌دهد که موانع مدیریتی با میانگین ۳/۹۵ در حد زیاد در نظریه‌پردازی تأثیرگذار است و نقش مهمی را در این حوزه دارد. زیرا که میانگین به دست آمده در مقایسه با میانگین نظری که ۳/۵ است بزرگتر است. بنابراین به عنوان یک موانع مهم تلقی می‌شود. در میان مؤلفه‌های موانع مدیریتی، عدم پذیرش جوانان از سوی مدیریت و مدیران ارشد با میانگین ۳/۱۲ بیشترین نقش و ارزیابی اساتید براساس جدول ارتقا کمترین نقش را در نظریه‌پردازی دارد. از آنجا که سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ شد و کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین، با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز کوچکتر است، لذا می‌توان برای این دسته از موانع رتبه‌بندی قائل شد.

۵. موانع اجتماعی در چه رتبه‌ای از موانع نظریه‌پردازی قرار دارد؟

جدول ۸. رتبه‌بندی موانع اجتماعی

آزمون رتبه‌بندی فریدمن				متغیرها	موانع اجتماعی
میانگین رتبه‌کلی	سطح معناداری	رتبه‌بندی موانع	میانگین رتبه		
۲/۷۳	۰/۰۰۱	۱	۲/۲۴	ضعف همفکری و مشارکت	
		۲	۲/۱۱	سست بودن پیوندهای جامعه علمی	
		۳	۱/۶۶	برگزار نکردن کرسی‌ها	

اطلاعات مندرج در جدول (۸) نشان می‌دهد که موانع اجتماعی با میانگین ۲/۷۳ در حد بسیار کمی مانع نظریه‌پردازی می‌شود. در میان مؤلفه‌های این موانع مذکور، مؤلفه‌ی ضعف همفکری و مشارکت با میانگین ۲/۲۴ بیشترین تأثیر و مؤلفه‌ی برگزار نکردن کرسی‌ها با

میانگین ۱/۶۶ کمترین تأثیر را داشت. سطح معناداری در این بخش برابر با ۰/۰۰۱ شد که کوچکتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز کمتر است، لذا می توان برای این دسته از موانع رتبه بندی قائل شد.

۶. موانع آموزشی در چه رتبه ای از موانع نظریه پردازی قرار دارد؟

جدول ۹. رتبه بندی موانع آموزشی

آزمون رتبه بندی فریدمن				متغیرها	موانع آموزشی
میانگین کلی	سطح معناداری	رتبه بندی موانع	میانگین رتبه		
۲/۲۳	.۰۰۰	۱	۲/۴۴	تدریس نکردن شیوه نظریه پردازی	
		۲	۲/۱۳	عدم توجه به بنیاد در سرفصل دروس	
		۳	۱/۴۳	هم پوشانی مطالب و مباحث رشته	

نتیجه ای اطلاعات ذکر شده در جدول (۹) نشان از آن دارد که موانع آموزشی با میانگین ۲/۲۳ در حد بسیار کمی مانع نظریه پردازی می شود، زیرا که میانگین کسب شده در مقایسه با میانگین نظری (۳/۵) کمتر است.

در میان مؤلفه های موانع آموزشی، مؤلفه ی تدریس نکردن شیوه ی نظریه پردازی با میانگین ۲/۴۴ بیشترین تأثیر و مؤلفه ی هم پوشانی مطالب و مباحث رشته با میانگین ۱/۴۳ کمترین تأثیر را داشت، بنابراین عدم تدریس فنون نظریه پردازی باعث نادیده گرفته شدن و بی توجهی به نظریه پردازی می شود.

سطح معناداری به دست آمده در موانع آموزشی برابر با ۰/۰۰۰ شد و چون این مقدار به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ است، در نتیجه با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز کمتر است، لذا می توان برای این دسته از موانع رتبه بندی قائل شد.

۷. موانع اقتصادی در چه رتبه ای از موانع نظریه پردازی قرار دارد؟

جدول ۱۰. رتبه بندی موانع اقتصادی

آزمون رتبه بندی فریدمن				متغیرها	موانع اقتصادی
میانگین رتبه کلی	سطح معناداری	رتبه بندی موانع	میانگین رتبه		
۱/۷۸	۰/۳۵۳	۱	۲/۰۷	تخصیص بودجه ناچیز به پژوهش	
		۲	۲/۰۶	تخصیص منابع مالی مقطعی به پژوهش	
		۳	۱/۸۷	تقسیم پی در پی بودجه پژوهشی	

با توجه به جدول (۱۰) می توان چنین بیان کرد که موانع اقتصادی با میانگین ۱/۷۸ در حد بسیار پایینی قرار دارد. در میان مؤلفه های این موانع مربوطه، موانع تخصیص بودجه به پژوهش بیشترین نقش و تقسیم پی در پی بودجه پژوهشی کمترین نقش را داشت. سطح معناداری به

دست آمده در این بخش برابر با ۰/۳۵۳ شد و نیز چون بزرگتر از ۰/۰۵ شد در نتیجه با توجه به این که مقدار معناداری از حد مجاز بیشتر است، لذا نمی‌توان برای این دسته از موانع رتبه‌بندی قائل شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با گذشت چندین دهه از آموزش رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران هنوز شاهد عدم نظریه‌های قابل قبول در این رشته هستیم. یافته‌ها و شواهد موجود نشانگر این است که موانعی نظیر موانع فردی، فرهنگی، سیاسی، مدیریتی، اجتماعی، آموزشی، و اقتصادی باعث جلوگیری از انجام نظریه‌پردازی می‌شود. به نظر می‌آید که موانع فردی و موانع فرهنگی نسبت به سایر موانع نقش پررنگی را در عدم پرداختن به نظریه‌پردازی دارند. موانع فردی در رتبه‌بندی موانع نظریه‌پردازی در اولویت اول قرار دارد و تا حد بسیار زیادی مانع نظریه‌پردازی می‌شود. از میان مؤلفه‌های موانع فردی، خلاقیت پایین بیشترین قدرت بازدارندگی را به خود اختصاص داده است. زمانی که شخصی توانایی و خلاقیت ذهنی را نداشته باشد و در سکون باقی بماند، مسلماً نمی‌تواند به تولید ایده و نظریه تمرکز و توجه داشته باشد. به این دلیل که فرد خلاق دائماً در حال پاسخ به سؤالات به وجود آمده در محیط اطراف خود است تا شکاف‌های موجود را برطرف کند. علاوه بر خلاقیت پایین، اعتماد به نفس پایین که خود نیز زمینه‌ساز بسیاری از موانع فردی می‌باشد، نقش پررنگی را در اجرای امر نظریه‌پردازی دارد، شخصی که اعتماد به نفس نداشته باشد، نمی‌تواند به تولید ایده فکر کند به این دلیل که ترس از آن دارد که مورد تمسخر و سرزنش قرار گیرد. البته به مراتب بعد از این مؤلفه، مؤلفه‌های دغدغه‌ی معیشت و ضعف تفکر انتقادی نیز مؤثر هستند، دغدغه‌ی معیشت به طور غیرمستقیم مانع نظریه‌پردازی می‌شود، چون زمانی که شخص دچار مشکل معیشتی باشد و مورد حمایت مالی قرار نگیرد، دچار دغدغه‌ی فکری می‌شود و آن شخص فرصت و مجالی برای پرداختن به تولید ایده و نظریه را ندارد. در آخر مؤلفه‌ی بهره‌هوشی پایین نیز کمترین نقش را دارد. البته ناگفته نماند که موانع فردی به نوبه‌ی خود ریشه در سیستم آموزشی نامناسب نیز دارد، چنانچه در همان ابتدای تحصیل، آموزش مناسب و صحیح صورت گیرد تا حدودی می‌توان از این موانع جلوگیری کرد. این بخش از یافته‌ها با نتایج حاصل از پیشینه‌ی یوسف‌زاده و رافع (۱۳۹۱) و پیشینه‌ی قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۰) و پژوهش الکساندر اولاسن و همکاران (۲۰۱۷) هماهنگی و هم‌خوانی دارد. علاوه بر موانع فردی، موانع فرهنگی نیز تا حد بسیار زیادی نظریه‌پردازی را مختل می‌کند و آن را به چالش می‌کشد که در رتبه‌بندی صورت گرفته، در اولویت دوم قرار دارد. در میان مؤلفه‌های فرهنگی نیز، کمی‌گرایی بیشترین نقش بازدارندگی را دارد. در واقع در کمی‌گرایی پژوهشگران از کیفیت غافل بوده و بیشترین تمرکز آن‌ها بر کمیت است و تمرکزی بر تولید ایده و نظریه جدید را ندارند. در این بخش می‌توان گفت که دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی مربوطه تا حدودی به دنبال تقویت رزومه‌ی خود هستند و هیچ توجهی به کیفیت کار ندارند و تعداد و کمیت را مورد توجه قرار می‌دهند. این امر به نوبه‌ی خود باعث می‌شود که پژوهشگران به فکر افزایش رزومه‌ی خود باشند و هیچ توجهی به امر کیفیت نداشته باشند. و غریب‌زدگی کم‌ترین نقش را در بردارد، البته بعد کمی‌گرایی توهم مسئله‌یابی و عدم توجه به قشر جوان نیز به نوبه‌ی خود بیشترین نقش بازدارندگی را دارا هستند. براساس یافته‌های حاصل از این بخش نیز با نتایج پژوهش پورعزت و همکاران (۱۳۸۸) و پژوهش قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۰) و پژوهش الکساندر اولاسن و همکاران (۲۰۱۷) مطابقت دارد. بعد از موانع فرهنگی، در اولویت سوم موانع سیاسی قرار دارد که مهم‌ترین مؤلفه آن تحکم مدیریت سیاسی بر مدیریت علمی بیشترین نقش و حزب‌گرایی یا نگاه جناحی کمترین نقش را در این مورد دارند. فضای سیاسی حاکم بر جامعه، هم باعث عدم آرامش فکری و هم باعث بسته‌شدن فضای تولید علم می‌شود و محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند. فضای سیاسی خواه ناخواه بر جامعه‌ی علمی سایه می‌افکند و باعث ایجاد شکاف در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌شود در تولیدات علمی تداخل ایجاد می‌کند و اجازه تولید هر ایده و نظریه را نمی‌دهد. البته در این مورد نیز بهتر است که گفته شود نوعی منافع شخصی را مسئولین مربوطه مورد توجه قرار می‌دهند. یافته‌های این بخش نیز با نتایج حاصل از پژوهش قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۰) هماهنگی دارد. موانع مدیریتی نیز در اولویت چهارم قرار دارد. موانع مدیریتی نیز به نوبه‌ی خود باعث دورماندن پژوهشگران از نظریه‌پردازی می‌شود. در این موانع مربوطه عدم پذیرش جوانان از سوی مدیریت و مدیران ارشد مهم‌ترین نقش را دارد، اصولاً در جامعه‌ای که به جوانان توجه نشود و در سازمان‌ها و نهادهای مربوطه نسبت

به آن‌ها و استعدادها و توانایی‌های آن‌ها بی‌توجهی صورت بگیرد و از آن‌ها حمایت نشود و شرایط و موقعیت مناسب برای پیشرفت آن‌ها فراهم نشود، مسلماً جوانان هیچ ذوق و علاقه و انگیزه‌ای برای نظریه‌پردازی و پیشرفت را نخواهند داشت و نسبت به این امور و حوزه بی‌توجه خواهند بود. و خودمختار نبودن دانشگاه نیز کمترین نقش را دارد. البته بعد از عدم پذیرش جوانان توسط مدیریت، آشفتگی ساز و کارهای تشویقی دانشگاه نیز کارساز می‌باشد و تأثیر مهمی دارند. یافته‌های این بخش از پژوهش حاضر نیز با نتایج پژوهش حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) هم‌سو می‌باشد. موانع اجتماعی نیز در اولویت پنجم قرار دارد که از مؤلفه‌های آن ضعف هم‌فکری و مشارکت نقش پررنگی را به خود اختصاص داده است. در جامعه‌ای که میان پژوهشگران و حتی دانشجویان و مراکز و نهادهای پژوهشی هیچ‌گونه تبادل یا رابطه‌ای وجود نداشته باشد و پیوند سستی برقرار باشد و هیچ‌گونه همکاری و مشارکت و بحث و کار گروهی وجود نداشته باشد، و افراد بیشتر به سمت فردگرایی بودن و عدم اشتراک‌گذاری علم خود با دیگران و همچنین حاکم بودن جو رقابتی در بین پژوهشگران و حتی جامعه، همه‌ی این موارد گفته شده خود باعث تضعیف حوزه‌ی نظریه‌پردازی می‌شود و برگزار نکردن کرسی‌های نظریه‌پردازی کم‌رنگ می‌باشد. یافته‌های این بخش نیز با نتایج حاصل از پژوهش یوسف‌زاده و رافع (۱۳۹۱) و پژوهش قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۰) و همچنین حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد. در اولویت ششم موانع آموزشی قرار دارد که مؤلفه‌ی تدریس نکردن شیوه‌ی تدریس بیشترین تأثیر را دارد. عدم تدریس شیوه‌ی نظریه‌پردازی و عدم ارائه‌ی آن به عنوان یک واحد درسی خود باعث می‌شود که فارغ‌التحصیلان این رشته هیچ‌آشنایی و آگاهی‌ای با این حوزه نداشته باشند و نسبت به آن در غفلت به سر ببرند و هم‌پوشانی مطالب و مباحث کمترین تأثیر را نظریه‌پردازی دارند. یافته‌های این بخش نیز با نتایج حاصل از صادقی و همکاران (۱۳۹۱) و پژوهش میرفردی (۱۳۹۴) و پژوهش قنادی‌نژاد و حیدری (۱۳۹۰) و پژوهش هالت گولدینگ و اکتیوی (۲۰۱۶) و پژوهش آدیتی هگد و همکاران (۲۰۱۷) هماهنگی دارد. موانع اقتصادی در اولویت هفتم موانع قرار دارد، و چون سدی در مسیر نظریه‌پردازی قرار دارد. در این موانع تخصیص بودجه ناچیز به پژوهش مؤثرترین عامل محسوب می‌شود. بودجه‌بندی نامناسب و بدون برنامه‌ریزی خود اثری منفی در پیشرفت روند نظریه‌پردازی است. زمانی که حمایت مالی به درستی صورت نگیرد و بودجه‌ی کافی را در اختیار افراد قرار ندهند، در نتیجه‌ی این نا به سامانی‌ها چالش‌هایی در مسیر تولید پژوهش ایجاد می‌شود و امکانات و منابع لازم برای پژوهش فراهم نمی‌شود. تقسیم‌بندی بودجه پژوهشی کم‌اثرترین عامل محسوب می‌شود. یافته‌های این قسمت نیز با پژوهش آدیتی هگد و همکاران (۲۰۱۷) هماهنگی دارد. در انتها می‌توان چنین گفت که یکی از مهم‌ترین پدیده‌های علمی، نظریه‌پردازی است که باید در حوزه و فضای علمی به آن توجه شود و مورد بررسی قرار بگیرد و برای پیشرفت آن بسترسازی لازم صورت گیرد. برای این منظور، پژوهش حاضر اقدام به رتبه‌بندی موانع نظریه‌پردازی در رشته‌ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی پرداخته است که با اولویت‌بندی هر کدام از موانع، به اهمیت و ضرورت هر کدام از آن‌ها پی برده شود. مسئولین مربوطه و تصمیم‌گیران در این زمینه تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های لازم را عملی سازند و در صورتی که موانع مذکور برطرف شوند، در آن صورت مسیر نظریه‌پردازی هموار خواهد شد و نظریه‌پردازی توسعه و رونق خواهد یافت و تقویت نظریه‌پردازی مورد توجه قرار خواهد گرفت. رفع این موانع باعث شوند که رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی بتواند جایگاه مناسب و شایسته‌ی خود را در نظریه‌پردازی به دست آورد.

براساس یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهاد داد که:

- ✓ آموزش شیوه‌های نقد و تفکر انتقادی به محققان؛
- ✓ گرایش از کمی‌گرایی به کیفی‌گرایی بودن پژوهش‌ها؛
- ✓ عدم دخالت مدیریت سیاسی در مسائل علمی؛
- ✓ به کارگیری و جذب جوانان مستعد و توانمند؛
- ✓ بسترسازی و برگزاری نشست‌هایی برای مشارکت و هم‌فکری محققان؛
- ✓ آموزش و برگزاری کارگاه‌هایی در حوزه شیوه پرداختن به نظریه‌پردازی؛
- ✓ ارائه‌ی تسهیلات و امکانات پژوهشی و تخصیص بودجه‌ی مناسب برای پژوهش.

## منابع

- پورعزت، ع.ا، رضایی، پ.، و یزدانی، ح.ر. (۱۳۸۸). بررسی موانع نظریه‌پردازی در قلمرو علوم اجتماعی. مدیریت بازرگانی، ۱(۲)، ۴۷-۶۲.
- جوهردهی، ع. (۱۳۹۷). موانع نظریه‌پردازی، روزنامه‌ی کیهان. بازیابی شده در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۶ از [http://pajoohe.ir/C\\_\\_a-46556.aspx](http://pajoohe.ir/C__a-46556.aspx)
- حسن‌زاده، م.، رسولی، ب.، و کریمی، ا. (۱۳۹۸). موانع رشد ظرفیت پدیده‌ی نظریه‌پردازی در ایران: موردکاوی دانشگاه تربیت مدرس. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۰(۱)، ۵-۳۴.
- حسنی، م.ح. (۱۳۸۹). درآمدی به روش‌شناسی تلفیقی در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم اجتماعی. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۴(۲)، ۱۳۷-۱۵۳.
- قنادی‌نژاد، ف.، حیدری، غ.ر. (۱۳۹۷). تبیین موانع و راهکارهای نظریه‌پردازی در علوم انسانی و اجتماعی (مطالعه موردی: اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز). راهیافت، ۲۸(۷۱)، ۱-۱۸.
- دانایی فرد، ح. (۱۳۸۹). تحلیلی بر موانع ذاتی و عرضی نظریه‌پردازی سازمانی در ایران. ماهنامه سوره، ۴۶، ۱۳۷.
- رامشت، م.ح.، مشکات، م.، خاقانی، م.، هرسیج، ح.، ابزری، م.، و ربانی، ع. (۱۳۹۰). گاهنامه خبری مرکز نظریه‌پردازی. نقد و مناظره دانشگاه اصفهان، ۱(۱)، ۵-۳۱.
- زیباکلام، س. (۱۳۸۷). نظریه‌پردازی در ایران. مصاحبه با دو ماهنامه جشنواره بین‌المللی خوارزمی، ش ۳.
- صادقی، ف.، جمشیدی، م.، و کلانتری، س.ع. (۲۰۱۳). چالش نظریه‌پردازی و علم‌افزایی در تولیدات علمی ایران. فلسفه علم، ۲(۴)، ۵۱-۷۳.
- عیوضی، م.ر. (۱۳۸۸). نظریه‌پردازی در حوزه مطالعات جامعه‌شناسی. فصلنامه راهبرد، ۱۹(۵۵)، ۲۴۳-۲۶۰.
- محمدی‌استانی، م.، و شعبانی، ا. (۱۳۹۶). نظریه‌پردازی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی با استفاده از روش‌شناسی عمومی لینهام. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۸(۱)، ۷-۱۴.
- محمودی، ح.ر. (۱۳۹۹). بررسی موانع نظریه‌پردازی علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه‌های ایران. دانش‌شناسی، ۱۲(۴۶)، ۷۹-۹۳.
- موحدیان، ق.، و چشمه سهرابی، م. (۱۳۹۵). رویکردهای نظری در تطور نظام‌های رده‌بندی منابع کتابخانه‌ای. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۷(۴)، ۷-۲۷.
- میرفردی، ا. (۱۳۹۴). چالش‌ها و فرصت‌های تولید علم و نظریه‌پردازی در حوزه علمی جامعه‌شناسی در ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۳(۹)، ۱-۲۰.
- نشاط، ن. (۱۳۸۸). پارادایم‌های نظری و نظریه‌پردازی در علم اطلاعات. اطلاع‌شناسی، ۶(۲۳)، ۳-۲۲.
- هرسیج، ح. (۱۳۹۰). موانع نظریه‌پردازی، روش‌شناسی، تولید علم، موانع و راهکارها. مصاحبه
- یوسف‌زاده، م.ر.، میرزایی‌رافع، م. (۱۳۹۲). بررسی موانع معرفت‌شناسی نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی از دیدگاه اعضای هیئت علمی. مجله‌ی پژوهش علوم انسانی، ۱۴(۳۳)، ۱۰۵-۱۱۵.

## References

- Ayuzi, MR. (2009). Theorizing in the field of sociological studies. *Strategic Quarterly*, 19(55), 243-260. [In Persian].
- Customonnejad, f., Heidari, G. (2018). Explanation of theorizing and theorizing strategies in the humanities and social sciences (Case Study: Faculty members of Shahid Chamran University of Ahvaz). *The approach*, 28(71), 1-18. [In Persian]
- Hegde, A., Venkataramana, G., Kulkarni, S. B., Bhaskar, N. N., Jacob, J., & Gangadharappa, S. K. (2017). Attitudes, experiences, and barriers to research and publishing among dental postgraduate students of Bengaluru City: A cross-sectional study. *Journal of Indian Association of Public Health Dentistry*, 15(2), 157.



- Holt, G. D., Goulding, J. S., & Akintoye, A. (2016). Enablers, challenges and relationships between research impact and theory generation. *Engineering, Construction and Architectural Management*.
- Hassanzadeh, M., Rasouli, B., & Karimi, A. (2020). Barriers to the theory building in Iran (case study: tarbiat Modares university). *Library and Information Science Research*, 10(1), 5-31. [In Persian].
- Hosni, M. (2010). Integrated methodology in inter -disciplined social science research. *Journal of Interdisciplinary Studies in the Science*, 4(2), 137/153. [In Persian].
- Herosage, h. (2011). Barriers to theorization, methodology, science production, barriers and solutions. [In Persian].
- Olaussen, A., Jennings, P. A., O'Reilly, G., Mitra, B., & Cameron, P. A. (2017). Barriers to conducting research: A survey of trainees in emergency medicine. *Emergency Medicine Australasia*, 29(2), 204-209.
- Purizat, A.; Rezai, P. & Yazdani, HR (2009). Investigating Barriers to Theory in the Social Sciences. *Business Management*, 1(2), 47-62. [In Persian].
- Udo-Akang, D. (2012). Theoretical concepts, and applications. *American International Journal of contemporary Research*, 2(9), 89-97.
- Jewelery, A. (2018). Barriers to Theorizing. Kayhan Newspaper. [In Persian].
- Mohammadi, M., & Shabani, A. (2017). Theorizing in information science and science using Linham's general methodology. *Journal of National Librarian Studies and Information Organizing*, 28(1), 7-14. [In Persian].
- Mahmoudi, H.R. (2020). Investigating Barriers to Information Science Theorizing from the Perspective of Faculty of Iranian Universities. *Journal of Knowledge Studies*, 12(46), 79-93. [In Persian].
- Movahedian, A.H., & Sohrabi Springs, M. (2016). Theoretical approaches to the evolution of library resource ranking systems. *Journal of National Librarian Studies and Information Organizing*, 27(4), 7-27. [In Persian].
- Mirfardi, A. (2015). Challenges and opportunities for the production of science and theorizing in the field of sociology in Iran. *Strategic and macro policies*, 3(9), 1-20. [In Persian]
- Ramasht, M.H., Meshkat, M., Khaghani, M., Harrisj, H, Tool, M., & Rabbani, AS (2011). *Isfahan University Theorizing, Criticism and Debate Center*, 1(1), 5-31. [In Persian].
- Sadeghi, f., Jamshidi, M., & Sheriff, S.A. (2013). The challenge of theorizing and science in Iranian scientific production. *Philosophy of Science*, 2(4), 51-73. [In Persian].
- Yusufzadeh, MR., & Mirzaei, M. (2013). Investigating the Barriers to the Theory of Theorizing in the field of science from the perspective of faculty members. *Journal of Humanities Research*, 14(33), 105-115. [In Persian].
- Zibaklam, Q. (2008). *Theorizing in Iran*. Interview with Two Magazines of the International Festival of Kharazmi, 3. [In Persian]

